

به شدت انقلابی، به شدت غیر دولتی



گفت و گو با رضا امیرخانی داستان نویس



از نظر شما داستان مذهبی باید دارای چه مؤلفه‌هایی باشد؟!

ببینید هنوز زود است که ما بخواهیم این مؤلفه‌ها را بشناسیم چرا که ما در زمینه ادبیات داستانی دین‌مدار یا به قول شما مذهبی، آثار کمی داریم و تعداد این آثار آن قدر نیست که بشود اصول مؤلفه‌های آن را شناسایی و معرفی کرد. به نظر من ما برخلاف داستان، در عرصه شعر بسیار پرتجربه هستیم و لذا می‌توان این مؤلفه‌ها را از جریان نقد شعر پیدا کرد چرا که احساس شخصی من این است که همه ما داستان‌نویسان مثل تیمم بدل از وضو، به جای شعر، داستان می‌گوییم.

گویا شما چندان اعتقادی به برگزاری کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی ندارید؟

همین طور است. متأسفانه در حال حاضر آن قدر دکان و دستگاه درست شده که من به شخصه با کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی ابراز مخالفت می‌کنم و معتقدم یک جور فضای مرید و مرادی شکل گرفته است برای عده‌ای و من به شخصه چنین فضایی را نمی‌پسندم و به دنبال آن هم نبوده و نیستم. از طرفی به عقیده من کلاس داستان‌نویسی‌ای که فرد را از مطالعه باز ندارد، از بیخ و بن چیز غلطی است و برعکس باید فضا طوری باشد که داستان‌نویس یا کسی که علاقه‌مند به داستان‌نویسی است به سمت مطالعه ترغیب شود. جدای از بحث مطالعه یک راه کار مهم دیگر کار کارگاهی است.

درباره ادبیات دفاع مقدس به عنوان ژانر مورد علاقه شما چه صحبتی دارید؟

طبعاً درباره جنگ، زیاد سیاه‌نمایی یا سفیدنمایی درست نیست و در مقابل این دو جریان افراط و تفریط، راه درست راه اعتدال است. من فکر می‌کنم بخش عمده گرفتاری‌ها در زمینه ادبیات دفاع مقدس همین افراط و تفریط است. دقت کنید عده‌ای جنگ ندیده، یک فضای رؤیایی را در زمینه جنگ خلق کردند که تبعاتی دارد؛ مثلاً اینکه نسل بعد، جنگ را نمی‌شناسد و برای او چالش جدی ایجاد می‌شود.

مسئولان غیر فرهنگی فرصت طلب؛ مهمترین آفت ادبیات انقلاب

ادبیات انقلاب اسلامی رو به شکوفایی است

یادم هست در جایی گفته بودید که ما هنوز نتوانسته‌ایم هنر انقلاب اسلامی را بازیم. با توجه به این مسئله، در حال حاضر برای ادبیات انقلاب اسلامی و نویسندگان این عرصه که طبعاً شما هم جزو آنها هستید، چه شأن و جایگاهی قائلید؟

خوشبختانه امروز نسل نویسندگان ادبیات انقلاب اسلامی در بالاترین سطح نویسندگی قرار دارند، کما اینکه آثارشان هم پس از پیروزی انقلاب با بالاترین اقبال روبه‌رو شده است. البته این صرفاً حرف بنده نیست، بلکه شمارگان کتاب‌ها، صنعت نشر و به ویژه اقبال مخاطبان این حقیقت را نشان می‌دهد و صد البته که این مسئله کتمان‌شدنی هم نیست. از سویی می‌بینیم این فضا برای اولین بار است که پس از انقلاب در کشور ما تجربه می‌شود و لذا کفران نعمت است اگر قدر آن را ندانیم چه آنکه قدرشناسی ما همان و سخت‌تر شدن کار برای آینده همان!

شما در زمینه همین ادبیات انقلاب چه آفات یا تهدیدهایی را مهم و قابل توجه می‌دانید؟

مهم‌ترین آفت در این خصوص، مسئولان غیر فرهنگی‌ای هستند که بخواهند از این آب، ماهی مقصود خود را بگیرند. نکته مهم دیگر در این باره این است که نسل کنونی نویسندگان ادبیات انقلاب اسلامی در حقیقت برای ادامه راه از دو گردنه «به شدت» عبور می‌کنند که باید مراقب و حساس باشند: گردنه اول اینکه به شدت انقلابی باشند و گردنه دیگر اینکه به شدت غیر دولتی باشند.

سید محمد مهدی موسوی



اشاره

«ارمیا»، «ازبه»، «من او»، «داستان سیستان» و مقاله بلند «نشت نشا» از جمله آثار چاپ شده رمان‌نویس جوانی است که آخرین کتابش «بی و تن» را برای نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران آماده کرده است.

برگزاری همایش «بررسی ادبیات داستانی در جامعه دینی» در قم در اسفندماه سال گذشته فرصت مناسبی را پدید آورد تا با رضا امیرخانی، رمان‌نویس صاحب سبک کشورمان گپ و گفتی داشته باشیم.

رئیس پیشین انجمن قلم ایران در این گفت‌وگو، پاسخ‌گوی سؤالاتی درباره وضعیت ادبیات انقلاب، دفاع مقدس، ممیزی، ادبیات دینی و... بود.





برای مردی که نادر بود

قرار بود در این ستون درباره نادر ابراهیمی بنویسم که چندی پیش فوت کرد (قبل از آن یک دوره بیماری چند ساله از کار انداخته بودش) و در نمایشگاه کتاب امسال تبدیل شده بود به پر فروش‌ترین داستان‌نویس ایران. من البته نادر را آن قدر می‌شناختم و دوستش داشتم که وقتی خبر رفتنش را شنیدم برای همه دوستانم پیامک بفرستم و صلوات طلب کنم به روحش، اما این حد از شناختن و دوست داشتن کافی نیست که بتوانی برای نادر بنویسی. این حرف که درباره برخی بزرگان، تنها خودشان باید سخن بگویند، به طرز یا شکوهی نادر ابراهیمی را شامل می‌شود. پس من سکوت می‌کنم

و این هم جمله گزیده‌هایی از لابه‌لای پنج کتاب از مجموع حدوداً نود کتابی که نادر تقدیم نسل من کرد: عزیز من! عروسک‌های کوکی، بدترین عروسک‌های دنیا هستند، چراکه بدون ایمان، بدون عشق، بدون اراده و بدون شعور حرکت می‌کنند و چیزی از این خطرناک‌تر برای سعادت انسان وجود ندارد.

ابوالمشاغل، ص ۱۹۱

کسی که نجابت را دکان می‌کند، به نجابت و شرافت خودش ایمان و اعتقادی ندارد.

این مشغله، ص ۷۴

من دیگر نیستم، نیستم تا که به جانب تو باز گردم و با لب‌بند - که دریچه‌ای است به سوی فضای نیلی و زنده دوست داشتن - شب را در دیدگان تو بیاریم. نیستم تا که بگویم گنجشک‌ها در میان درختان نارنج با هم چه می‌گویند، جیرجیرک‌ها چرا برای هم آواز می‌خوانند و چه پیامی سگ‌ها را از اعماق شب برمی‌انگیزد.

بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم، ص ۳۹

می‌روم، زیرا در میانه میدان ماندن، از هفتاد سو به تیر بالای ابلهان گرفتار آمدن است و از پا در افتادن جسد، سودی به انسان نمی‌رساند، اما هجرت می‌تواند قرین ساختن و پیش بردن باشد.

مردی در تبعید ابدی، ص ۲۵۷

ما، وقت بی‌مصرف مانده و بوی ناگرفته بسیاری در کیسه‌هایمان داریم؛ وقتی که تباه می‌کنیم، می‌سوزانیم، به بطلالت می‌گذرانیم. بسیاری از ما می‌توانیم پنج برابر، ده برابر، یا بیست برابر آنچه کار می‌کنیم، کار کنیم، یاد بگیریم، بیافرینیم، تغییر بدهیم. انسان شهری، عجیب در بیکارگی و بطلالت فرو رفته است.

یک عاشقانه آرام، ص ۱۱۲



و اما اصل قضیه اینکه لغت‌سازی در زبان فارسی تنها یا از طریق پیشوند و پسوندسازی یا ساختن لغت مرکب است. برای لغت‌سازی ما نیاز به توجه بیشتر به پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی و نیز بن‌های ماضی و مضارع ... داریم.

با این همه، لغت‌سازی بنده در نگارش مدیون استفاده از رایانه است چراکه نوشتن با رایانه یا همان تایپ به من این ایده را داد که لغات را جدای از هم بنویسم؛ مثلاً رهبر را جدا بنویسم. از طرفی هم الان ما سر و کارمان بیشتر با خط ماشینی است و اغلب نامه‌های اداری‌مان هم خط تایپی است. لذا ما امروزه کمتر از گذشته با خط تحریری سر و کار داریم و همان‌طور که خدمتان عرض کردم، تایپ به من کمک کرد تا بتوانم لغات را به صورت جدا از هم بنویسم.

خلاصه کلام اینکه من نمی‌توانم دفاع عقلی چندانی از نوع رسم‌الخط در آثارم داشته باشم. شاید این مسئله بیشتر جنبه سلیقه‌ای داشته باشد تا جنبه‌های دیگر.

درباره بحث ممیزی کتاب چه نظری دارید؟

خب، بودن ممیزی وجوب عقلی دارد؛ مثل اینکه شما وقتی ساندویچی می‌روید، دوست دارید مطمئن شوید که فی‌المثل اداره بهداشت از آنجا بازرسی لازم را داشته است، اما متأسفانه در بعضی دولت‌ها ممیزی کتاب دارای ایرادات بسیاری بوده است. شما توجه داشته باشید عقلاً ممیزی در خصوص نیت افراد ممکن نیست، اما اگر درست نگاه کنیم، اصل وجود ممیزی در تبعات یک نوشته باید باشد. اینکه مثلاً یک کتاب ۲ هزار تیراژی در جامعه تبعات منفی داشته باشد، اینجا ممیزی لازم است.

برخی معتقدند ادبیات دینی و مذهبی در کشور ما جریان اصلی به شمار نمی‌آید. نظر شما درباره این گفته چیست؟

خوشبختانه و برخلاف سیاه‌نمایی‌های عده‌ای ما در شرایط کنونی در مرحله آغاز ساخت تمدنی مبتنی بر انقلاب اسلامی هستیم. در جامعه‌ای که ما زندگی می‌کنیم بسیار کوشیده می‌شود تا ما نسبت به انقلاب و ادبیات و هنر انقلابی ناامید شویم، اما من به شخصه نسبت به آینده امیدوارم و نسبت به وضعیت امروز هم خوش‌بین هستم.

اما اینکه بعضی‌ها می‌گویند آقا ما چرا در ایران نمی‌توانیم مثلاً هری پاتر بنویسیم، خب طبیعی است؛ چراکه هری پاتر متعلق به تمدن غرب است و در تمدن اسلامی - ایرانی ما قابلیت هری پاتر نویسی اساساً وجود ندارد که بتوانیم یا نتوانیم!

در کل باید توجه داشت که ما هم‌اینک در مرحله ساخت آن تمدن مورد نظر هستیم که در این میان، هر کدام از ما یک سرباز هستیم و باید بتوانیم وظیفه خودمان را در هر مقامی و جایگاهی که هستیم به خوبی انجام دهیم.

بحثی که معمولاً درباره آثار شما به میان می‌آید، در مورد نوع رسم‌الخطی است که در کتاب‌های شما به کار می‌رود؛ شما چه علاقه‌ای به جدانویسی کلمات دارید؟!

تمام کسانی که در عرصه ادبیات کار می‌کنند، وظیفه مهمشان پاسداری از زبان فارسی است؛ چون لغت‌سازی در این زبان دشوار است و اصل زبان فارسی هم معمولاً در معرض خطر است. شما ببینید ما چقدر در زبان فارسی تولید لغاتمان کم است. به همین خاطر این وظیفه‌ای که به آن اشاره کردم خیلی مهم است.

از این رو ما نویسندگان به عنوان پاسدار زبان فارسی به مشکل لغت‌سازی که حقیقتاً هم بزرگ‌ترین مشکل ماست واقفیم، اما برعکس عرب‌ها تا حدود بسیار زیادی توانسته‌اند این مشکل را حل کنند.